



خبرین است که کمالیسم، انقلاب آتاتورک، سرمایه‌داری اقتصادی و ملیت‌گرایی را در سال‌های ۱۹۳۰ میلادی در ترکیه نهادینه کرد. در دهه ۱۹۳۰، دولت ترکیه با هدف ایجاد یک دولت متمرکز و مملکتی، اقدام به اصلاحات اساسی در ساختار سیاسی و اقتصادی کرد. در این دوره، دولت ترکیه با هدف ایجاد یک دولت متمرکز و مملکتی، اقدام به اصلاحات اساسی در ساختار سیاسی و اقتصادی کرد. در این دوره، دولت ترکیه با هدف ایجاد یک دولت متمرکز و مملکتی، اقدام به اصلاحات اساسی در ساختار سیاسی و اقتصادی کرد.

اطلاعاتی و توسعه توان کشف و تحلیل را با پیاده‌ها، مفهوم دفاع را از حفاظت از مرزها به صیانت از کارکردهای خاصی از دولت و جامعه گسترش داده است. هدف این مجموعه اقدامات، انتخاب نظامی خاصی مستقیم نیست بلکه هدف آن است که عملیات زیرآستانه‌ای دشوارتر، برپزه‌نیز تر و کم‌آلتر شود و کم‌زمان‌اتر برای آلمان برای ادامه حیات خود در قبال اولین خطر دفاعی باشد. حال، واقعی میان اعلام صیانت و ایجاد توان واقعی توسط دولت مرئس همچنان قابل توجه است. این دشواری در فضای سیاسی چندپاره آلمان آشکارتر می‌شود. دولت اتلافی، احزاب اتحاد مدموکرات مسیحی و احزاب سوسیالیست مسیحی، سیزها و بخش مهمی از حزب سوسیال دموکرات درباره خطر بلندمدت روسیه و ضرورت حیات از اوکراین اشتراک نظر دارند، اما درباره کمک نظامی، شیوه تأمین هزینه‌های دفاعی، نقش دیپلماسی و حدود اختیارات نظامی، جنبشی اختلاف دارند. محافظه کاران عموماً برپازاندگی و آمادگی نظامی تأکید می‌کنند، سوسیال دموکرات‌ها برحیثیت از اوکراین را از ضرورت حفظ مسیرهای دیپلماتیک و کنترل تسلیحات همراه می‌کنند و سیزها عموماً کارکنان حمایت گسترده و سریع‌تر از کلی می‌باشد. این تفاوت‌ها هنوز درون چارچوب کلی سیاست مهر روسیه قرار می‌گیرند، اما بر مخرج و شکل اجرایی آن اثر می‌گذارد. در سوسی دیگر، حزب در حال خیزش «لئوتانیو برای آلمان» مهم‌ترین مخالف سیاست جاری است و کاهش کمک مالی و نظامی به اوکراین، مخالفت با عضویت این کشور در اتحادیه اروپا و مخالفت با تضمین حیات نظامی را دنبال می‌کند و فرجه مرحله‌ای تحریجهای روسیه را آموشقی برای مذاکره می‌داند. بخش‌هایی از حزب چپ و جریان اوکرن کشش نیز با مبانی اتحادیه اروپا متفاوت، برپزه‌نیزهای اجتماعی، خطر گسترش جنگ و ضرورت مذاکره کنونی می‌کنند. مهر پوهسانی این نیروها در مخالفت با ارسال سلاح یا تحریم به معنای یکسان بودن آنها با انابت

دائمی آلمان در لیتوانی، افزایش بودجه دفاعی، توسعه صنایع تسلیحاتی و تداوم پشتیبانی از اوکراین، بازگشت قدرت سخت به سیاست امنیتی این کشور را نشان می دهد. در سطح داخلی، اجرای قانون حفاظت از زیرساخت های حیاتی، تعیین استانداردهای مشترک برای بخش هایی چون انرژی، حمل و نقل، آب، ارتباطات و سلامت، ایجاد سازوکارهای هماهنگی میان پلیس، ارتش و نهادهای

به انتساب علی، افزایش حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی و تلاش برای بازدارندگی در برابر اقدامات که زیرآستانه جنگ مستقیم باقی می‌ماند.

ایران فهم اینکه چرا آلمان در قانون ان بشمار قرار گرفته است، باید به جایگاه آن در ابراهیم‌رادر قبل از این‌که ایران توجه کرد، امکان بزرگ‌ترین اقتصاد اتحادیه اروپا، یکی از تأمین‌کنندگان اصلی کربن مالی و نظامی به اوکراین، در سطح انتقال نیرو و تجهیزات ثانویه بزرگ‌ترین تعیین‌کننده در خطر سرمایه‌های ایران در ابراهیم‌رادر. عین حال، جامعه‌ای آشوب در ابراهیم‌رادر هزینه‌های دفاعی، ارسال تسلیحات، پیامدهای اقتصادی تحریم‌ها و آینده رابطه با روسیه اتفاق نظر ندارد. بنابراین، واردکردن روسیه به آلمان می‌تواند هم ظرفیت مادی حمایت از اوکراین را تحت فشار قرار دهد و هم شگاف‌های سیاسی و اجتماعی موجود را تشدید کند.

در چارچوب این وضعیت، باید زیرساخت را در فروپاشی درجی نظم امنیتی اروپا به جنگ سه‌جانبه و چارچوبی برای نزدیک به سه دهه، بخش مهمی از سیاست آلمان بران قرار داد استوار بود که تجارت، وابستگی متقابل اقتصاد، گفت‌وگو، سیاسی و نهادهای چندجانبه می‌توانند روسیه را در نظم اروپا نگه دارند و هزینه تقابل را برای همه طرف‌ها افزایش دهد.

الحاق کریمه در سال ۲۰۱۴ در فرض را

بہزاد احمدی

فریدریش مرس، صدراعظم آلمان، گواهی داد که او بیشتر در شهر مونستر هشداد روز اول اکتبر در جریان حمله به کشورهای گورانی خود را برای حمایت از هیبریدی بیشتر و حتی شدیدتری از سوی روسیه آماده کند. او در همان روزها، سفری از تزلزل آلمان را مقدمه تزلزل اروپا و سپس اورکین دانست و تأکید کرد که فشارهای متکسب به مسکو نباید به گشایش حمایت برلین از کی‌فی بینجامد. او در سفر اعلام ننشده‌اش به کی‌فی در ۴ اکتبر نیز همین موضع را تکرار کرد با این تفاوت که با اعلام کمک نظامی تازه به اورکین و تخصیص منابعی برای ترمیم و بازسازی از برای این کشور، در کنار برنامه توسعه همکاری در صنعت دفاعی، این پیام را به مسکو منتقل کرد که فشارهای نظامی و هیبریدی نه تنها قرار نیست اراده برلین را در حمایت از کی‌فی فرسوده کند، بلکه می‌تواند آلمان را بیشتر به یک پیشگامی صنعتی و امنیتی پایدار برای اورکین تبدیل نماید.

[illegible]